

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال سوم. شماره دوازدهم. تابستان ۱۳۹۱

صفحات: ۳۷ - ۴۸

تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۱۲/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۴/۱۰

## مباحث حقوقی زن در ایران باستان (با اشاره هایی بر زن در شاهنامه)

صبا بیوک زاده\*

### چکیده

در ایران باستان زن و مرد از هر حیث با هم برابر بودند و تبعیض و نابرابری در میان نبود. حقوق زنان در همه جوامع و دوران ها همواره به مقتضیات زمان، ویژگی های فرهنگی جامعه و نوع مناسبات اجتماعی آن عصر بستگی داشته است. برای زنان در ایران باستان در هر موردی حقوقی وضع شده بود، در مورد ازدواج، طلاق، مالکیت، خانه داری، بچه داری و هر چیز کوچک و بزرگ دیگر: این موضوع را می توان با نگاهی به شاهنامه بهتر درک کرد، حضور زن در تمام شاهنامه حضوری است تعیین کننده و سرنوشت ساز، نقش زن به عنوان پیونددهنده خانواده ها به یکدیگر در همه جا به عنوان عاملی اساسی در پیدایش و نابودی قدرت مطرح است. در این جستار سعی شده است مباحث مهم حقوقی زن و همچنین مختصری از نقش زن در شاهنامه بررسی شود با معرفی و بررسی زنان شاهنامه می توان به جایگاه و حقوق زن در ایران باستان پی برد.

کلید واژگان: حقوق زن، ایران باستان، شاهنامه.

---

\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه پیام نور اردبیل، گروه ادبیات، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول):  
zigoratsaba@yahoo.com

## مقدمه

انسان ها همواره در طول تاریخ در پی نمونه ای تکامل یافته تر از خود در همه زمینه ها بودند تا راه زندگی خود را بر روال همان نمونه هموار کنند، این نمونه گاه به صورت اسطوره ای در اعتقادات و باورهای یک قوم جایگاهی خاص یافته بود که این حقیقت شناسه های فرهنگی یک ملت را نشان می دهد و گاه این اسطوره ها چنان در دل یک ملت راه یافته اند که به مرور به صورت خدایانی بزرگ در آمده و مورد ستایش و عبادت قرار گرفته اند. زن یکی از همین اسطوره هاست که به مرحله الهه بودن و خدایی رسیده و در ایران باستان اهمیت به سزایی یافته است. در دورانی که شاید بیش از ده هزار سال قبل از میلاد باشد، تغییراتی در وضع اقلیمی ایران به وجود آمد و انسان غار نشین اندک اندک برای خود خانه ساخت. در این دوران خانواده مرکز قدرت قبیله بود و چون زن هم در خانه و هم در بیرون با مرد در کار تولید و رفع حوایج زندگی معاضدت و همکاری داشت، و از طرفی تولید مثل و بچه زاییدن و استمرار نسل به طور فطری و طبیعی بر عهده او بود لذا ارزش و اهمیت زن نسبت به مرد فزونی یافت و تعادل قدرت را به سود زن متمایل ساخت. در حقیقت نگهداری از آتش، نگهداری خانه، تهیه و پخت غذا، ساختن ظروف سفالی، نگهداری فرزندان باعث اولویت زن نسبت به مرد شد و اداره کارهای قبیله به دست او افتاد. در عین حال سلسله نسب خانواده به نام زن خوانده می شد، این نحوه اولویت و توفیق زن بر مرد به صورت عصر مادر شاهی در فلات ایران شروع شد؛ و همین روند که یکی از خصایص ساکنان ایران بود بعدها در آداب آریاهای فاتح وارد شد. (شهریاری، درفش، ص ۱) با توجه به این مطلب به وضوح می توان به نقش زن پی برده و دریافت که چرا تا این حد موضوع حقوق زن مهم بوده و هست.

در کتاب «بندھش» فصل ۱۵ آمده است: «آنگاه اهورامزدا روان را که پیش از پیکر آفریده بود در کالبد مشیه و مشیانه بدمید و آنان جاندار گشتند. پس به آنان گفت شما پدر و مادر مردم جهان هستید. شما را پاک و کامل بیافریدم. هر دو اندیشه و گفتار و کردار نیک به کار بندید؛ و دیوان را پرستش مکنید. پس مشیه و مشیانه از

جای خود به حرکت آمدند، و خود را شستشو کردند، و نخستین سخنی که بر زبان راندند این بود که اهورامزدا یگانه است، او آفریننده ماه و خورشید و ستارگان و آسمان و آب و خاک و گیاهان جاندار است». (دادگی، ۱۳۶۹، فصل ۱۵)

چنانچه ملاحظه می شود؛ در دین مزدیسنی که معتقدات زرتشتیان بر آن نهاده شده است زن و مرد هر دو از یک ریشه تکوین می یابند با هم از زمین سربر می دارند و یکسان رشد می کنند و اهورامزدا با آنان به یکسان و با یک زبان سخن می راند و دستور واحدی برایشان مقرر می فرماید. آن دو پس از اقرار به یگانگی اهورامزدا نخستین سخنی که به زبان می رانند این است «هر یک از ما باید خوشنودی و دلگرمی و محبت و دوستی دیگری را فراهم کند». از این گفتار برمی آید که در دین زرتشت هیچ یک از زن و مرد را به یکدیگر تفوق و امتیازی نیست، و آن دو از نظر آفرینش و خلقت یکسان و برابرند. شخصیت زن در دین زرتشت نه تنها در آغاز جهان با مرد برابر است بلکه در پایان نیز با

مرد یکسان و برابر است. بنا به معتقدات دینی زرتشتیان هنگامی که «سوشیانت» موعود نجات بخش آخرالزمان از شرق ایران و حوالی دریاچه هامون ظهور می کند از هر گوشه ایران پاکان و دینداران به او می پیوندند. تعداد آنان سی هزار نفر است که نیمی از آن مرد و نیمی دیگر زن خواهد بود. (شهریاری، درفش، ص ۶)

عظمت مقام زن در آیین زردشتی را هم از اینجا می توان فهمید که از شش امشاسپندان که رابطه بین اهورا مزدا و بندگان او به شمار می روند، سه تن (بهمن، اردیبهشت، شهریور) نرینه و سه تن دیگر (سپندارمذ، خرداد، مرداد) مادینه اند :

بهمن یا وهمن یا وهومن که به معنای خرد کامل است.

اردیبهشت یا اشاوهریشتا که به معنی نظم و بهترین راستی و هنجار و قانون و سامان آفرینش است. شهریور یا خشترویریه که به معنی حکومت بر خویش، خویشتن داری، و شهریاری آسمانی است.

اسفند یا سپندارمذ که مظهر مهر و محبت و عشق و باوری و موکل بر زمین است.

خرداد یا اروتات که نمودار کمال، رسایی؛ شادی و خرمی و موکل بر آبهاست.

امرداد یا امرتات که مظهر جاودانگی و بی مرگی است. همچنین تعدادی از ایزدان مذاهب زرتشت که در مرتبه پایین تری از امشاسپندان هستند (امشاسپند ملک؛ و ایزد فرشته) و ضمیر مونث دارند. این شش تن دارای ارج و قدرت یکسان و فراوانند. سپندارمذ در جهان روحانی مظهر مهر، برادری و فروتنی اهورامزداست و در جهان مادی فرشته موکل و نگهدارنده زمین است. او را دختر اهورامزدا و مادر زمین خوانده اند. (حجازی، ۱۳۸۵، ص ۶۰)

مسائل زنان و مباحث پیرامون آن از جمله اموری هستند که گرفتار نگرش های بسیار متنوع و متضادی شده است گاه زن ایده آل، زن محصور در خانه است و گاه تمامی ارزش ها فقط در فعالیتهای متنوع اجتماعی تعریف می شود. گاهی نیز زن مطلوب زن محصور در خواسته های فردی است که مسیر خود را تعیین می کند و خود می پیماید و خود نیز ارزش گذاری می نماید. همین دلایل باعث می گردد همه روزه افراد برای حفظ ارزش زن پژوهش هایی از جهات مختلف در این موضوع به انجام رسانند به ویژه زن در ایران باستان، چرا که بررسی جایگاه زن در ایران باستان و در دوره های هخامنشی و آیین زرتشت که به نوعی دوره آغاز شکل گیری سرزمین آریایی هاست، نشان دهنده سطح والای فکری مردمان آن روزگار است که در بسیاری موارد، افسوس را با خود به ارمغان می آورد، چرا که اگر تحولات ناشی از حکومت های گوناگون آن زمان تغییری در شرایط زیستی آدمیان ایجاد نمی کرد، ایران و ایرانی، هم اکنون بعنوان بزرگترین مدعی حقوق انسانی در دنیا شناخته می شد و این عنوان را زینت نام خود می کرد.

### زن در شاهنامه

همه ی آگاهان از فرهنگ باستانی و ادب کهن فارسی به خوبی می دانند که پس از گاتها، سرودهای

جاودانه ی زرتشت، اندیشه ورز بزرگ ایرانی در چند هزاره پیش از این، تنها فردوسی ی حماسه سراسر است که در یک هزاره پیش از روزگار ما در منظومه ی بزرگ و انسان محور و جهان شمولش شاهنامه، زن را در پایگاه سزاوار او که یار و یاور و هم دل و هم زبان مرد است، توصیف کرده و به زیباترین و شیواترین بیان زن را ستوده و ارج گزارده است. زنان نامدار شاهنامه چون فرانک، رودابه، سیندخت، گرد آفرید، جریره، تهمینه و دیگران هر یک نمونه برجسته ای از زیبایی، خردمندی و مردانگی و عفت اند. آنها همه جا یار و یاور همسران خویش بوده و هر جا که ضرور باشد به تنهایی در میدان نبردند. فرانک، پس از مرگ شوی، مردانه در میدان نبرد علیه ضحاک پای می فشارد و تا پایان پیش می رود. هنگامی که گردان ایرانی از مقابله با سهراب می ترسند، گرد آفرید پیش می تازد. جریره پس از فرود سیاوش همه دژ را به آتش می کشد، همه اسبان تازی را می کشد و سرانجام خودکشی می کند تا بدست دشمن نیفتد. کتایون خردمند و مهربان تا پایان در کنار پسر خود اسفندیار می ماند و با گشتاسب به خاطر خودکامگی و پستی اش مقابله می کند. سیندخت، مادر رودابه و زن مهربان، در خردمندی و تدبیر بی همتاست. او همه کاره دربار است. اوست که با سام طرف می شود، با او به مذاکره می نشیند و همه امور را به درستی فیصله می دهد. « زن در شاهنامه به استثنای سودابه که زنی مفسده جو و بدکار است، مظهر فداکاری، دانائی و خرد، فرزائگی، شرم، بزرگ منشی، خانه داری و در ضمن زیبایی، ظرافت و دلفریبی است. بدین معنی که همه ی صفات والای مرد، به علاوه دلفریبی و ظرافت زنانه در این قهرمان اساطیری موجود است. او در مصیبت های زندگی داخلی و سیاسی، مقاوم و صبور و در جنگ و ستیز متهور و جنگجوست.» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۰، ص ۲۰). زنان در شاهنامه که پایبند افسانه های کهن ایران زمینند، غرور و عظمتی باستانی دارند. اگر گناهی از آنان سر بزند، زاده ضعف نیست، آنها سخت و نیرومند و دلیرند، ابتکاری بی پروا و وفایی پهلوانانه دارند. دوش به دوش شوهرانشان پیکار می کنند و به مقابله همه تصادف ها می روند.

### نمونه هایی از زنان شاهنامه

۱) زن از خود خرد و آگاهی دارد و در هنگامه ی سختی و نیاز می اندیشد و راه بهین را بر می گزیند و با دلیری بدان پای می گذارد و از چیزی نمی هراسد. همان گونه که فرانک پس از کشته شدن آبتین به دست سربازان ضحاک و خوراک ماران دوش او شدن، و پس از آن که پسران نوزاد را می کشند فریدون را بر می دارد و راهی برای نجاتش پیدا میکند:

خردمند مام فریدون چو دید      که بر جفت او بر چنان بد رسید  
فرانک بدش نام و فرخنده بود      به مهر فریدون دل اکنده بود  
(فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۰)

۲) بر خلاف آن چه در پیشینه ی افسانه های ملل بوده که پهلوانان و قهرمانان از وصلت خدایان با مردم به دنیا می آیند در شاهنامه تمام قهرمانان از بطن زن به دنیا می آیند. این زنان هستند که پهلوانان

را به دنیا می آورند. همان طور که همه ی جمعیت جهان از پشت فریدون و سه پسر او هستند. و این سه پسر یعنی سلم و تور و ایرج از شکم شهرناز و ارنواز خواهران جمشید به دنیا آمده اند.

به بالا چو سرو و به رخ چون بهار  
به هر چیز مانده ی شهریار  
از این سه دو پاکیزه از شهرناز  
کی کهنتر از خوب چهر ارنواز  
(فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۶۰)

۳) ایرانیان داشتن فرزند پسر را تنها نشانه ی ادامه ی نسل خود نمی دانستند. همان گونه که نسب پادشاه بزرگی که کین نیای خود ایرج را می گیرد و سال ها با تورانیان می جنگد یعنی منوچهر از سوی مادر و آن هم پس از دو پشت که هر دو زن بودند به ایرج می رسد و در اصل نیای وی ماه آفرید است.

یکی خوب چهر پرستنده دید  
کجا نام او بود ماه آفرید  
چو هنگامه ی زادن آمد پدید  
یکی دختر آمد ز ماه آفرید  
جهانی گرفتند پروردنش  
برآمد به ناز و بزرگی تنش  
(فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۸۳)

۴) در ایران باستان این زنان بودند که از مردان خواستگاری می کردند. آن سان که رودابه چون ویژه گی های زال را میشوند دل می افروزد و با وی نرد عشق می بازد.

چوبشنید رودابه آن گفت و گوی  
برفروخت و گلنارگون کرد روی  
دلش گشته پر آتش از مهر زال  
از او دور شد خورد و آرام و حال  
(فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۲۵)

۵) در ایران باستان این زنان بودند که حلقه ی نشان (حلقه ی نامزدی) به مردان می دادند. این رودابه است که پس از آن که زال رضایت پدر و شاه را برای زناشویی با او جلب می کند برایش هدیه ها و حلقه ی نشان می فرستد.

فرستاده پیش آمد از پیش سام  
سبک پاسخ نامه زن را سپرد  
به نزدیک رودابه آمد چو باد  
پری روی بر زن درم برنشاند  
یکی شاره سریند پیش آورید  
همه پیکرش سرخ یاقوت و زر  
یکی جفت پرمایه انگشتری  
ابا شادمانی و فرخ پیام  
زن از پیش او بازگشت و ببرد  
به دین شادمانی ورا مژده داد  
به کرسی ی زر پیکرش برنشاند  
شده تار و پود اندرو ناپدید  
شده زر همه ناپدید از گهر  
فروزنده چون بر فلک مشتری  
(فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۶۲)

۶) آن گاه که مردان از اندیشه باز می ماندند زنان وارد میدان اندیشه و کاری شدند و گره‌ها را باز می کردند. در ایران باستان زنان خانه نشینان و معشوقه های ابله و نادان نبودند. سین دخت که می بیند شوهرش مهراب سخت نگران و وامانده از نبرد با ایران و ارتش منوچهر شاه است خود جلو می رود تا مشکل را حل کند.

بدو گفت سین دخت کای سرفراز بود کت به خونم نیاید نیاز  
مرا رفت باید به نزدیک سام زبان بر گشایم چو تیغ از نیام  
(فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۵۹)

۷) در ایران باستان زنان به پادشاهی نیز بر گزیده می شدند. چهره‌ی این زنان در شاه‌نامه بسی درخشان است. پوران دخت یکی از زنانی است که در عهد ساسانیان به پادشاهی می رسد.

بر آن تخت شاهیش بنشانند بزرگان بر او گوهر افشانند  
چنین گفت پس دخت پوران که من نخواهم پراگندن انجمن  
کسی را که درویش باشد ز گنج توانگر کنم تا نماند به رنج  
مبادا ز گیتی کسی مستمند که از درد او بر من آید گزند  
ز کشور کنم دور بد خواه را بر آیین شاهان کنم گاه را  
(فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۲۳۲)

۸) سیمرغ پرنده‌ی افسانه‌ای مقدس ایران نیز چهره‌ای زنانه دارد. دلسوزی و نگاهداری از زال در کوه در کنار جوجه‌هایش نمایانگر خوی زنانه-مادرانه‌ی این پرنده‌ی مقدس ایرانی است.

چو سیمرغ را بچه شد گرسنه به پرواز بر شد دمان از بنه  
یکی شیرخواره خروشنده دید زمین را چو دریای جوشنده دید  
به گرد اندرش تیره خاک نژند به سر برش خورشید گشته بلند  
فروید آمد از ابر سیمرغ و چنگ بزد بر گرفتش از آن گرم سنگ  
ببردش دمان تا به البرز کوه که بودش بدانجا کنام و گروه  
سوی بچگان برد تا بشکرند بدان ناله‌ی زار او ننگرند  
ببخشود یزدان نیکی دهش کجا بودنی داشت اندر برش  
نگه کرد سیمرغ با بچگان بران خرد خون از دو دیده چکان  
شگفتی بر او بر فکندند مهر بمانند خیره بدان خوب چهر  
(فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۱۱)

۹) زنان شگف انگیز و مدبری چون گردیه خواهر بهرام چوبین، وی بعد از مرگ برادرش بهرام، به همسری خسرو پرویز در آمد. از این پیوند پسری به نام جوانشیر متولد شد که بعدها به سلطنت رسید؛

گرچه بعد از یک سال درگذشت. گردیه زنی بود که در زمان شورش برادرش بر خسرو پرویز او را اندرز داد و مانع او شد.

چنین گفت داننده خواهر بدوی که ای تیزهوش مهتر نامجوی  
 تو را چند گویم سخن نشنوی به پیش آوری تندی و بدخویی  
 نگر تا چه گوید سخن گوی بلخ که باشد سخن گفتن راست تلخ  
 هران کس که آهوی تو با تو گفت همه راستی ها گشاد از نهفت  
 (فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۰۴۵)

بعد از کشته شدن بهرام، هنگامی که گردیه و سپاهیان به طرف ایران آمدند، خاقان ترک یکی از سرداران خود به نام طورگ را از پی او فرستاد که گرفتارش کند، چون سواران ترک به او نزدیک شدند گردیه:

از ایشان بدل بر نکرد ایچ یاد ز لشکر سوی ساریان شد چو باد  
 یکایک بنه در پس پشت کرد بیامد نگه کرد جای نبرد  
 سلیح برادر بپوشید زن نشست از بر باره گامزن  
 به پیش سپاه اندر آمد طورگ که خاقان ورا خواندی پیر گرگ  
 و سرانجام بعد از نبرد طورگ، مغلوب گردیه می شود:

ز پیش سپاه اندر آمد طورگ بیامد بر نامدار سترگ  
 چو تنها بدیدش زن چاره جوی از آن مغفر تیره بگشاد روی  
 بدو گفت بهرام را دیده ای سواری و رزمش پسندیده ای  
 مرا بود هم مادر و هم پدر کنون روزگار وی آمد به سر  
 کنون من تو را آزمایش کنم یکی سوی رزمت گرایش کنم  
 گرم از در شوی یابی بگوی همانا مرا خود پسندی تو شوی  
 بگفت این وز آن پس برانگیخت اسپ پس او همی تاخت ایزد گشسپ

...

سراسر همه دشت شد رود خون یکی بی سر و دیگری سرنگون  
 چو پیروز شد سوی ایران کشید بر شهریار دلیران کشید  
 (فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، صص ۲۱۴۷ و ۲۱۴۸)

### حقوق زن در ایران باستان

از آغاز زندگی بشر، هر کجا که مردان بودند، زنان نیز دوشادوش آنان در فراهم کردن امکانات برای زندگی بهتر و آسوده تر گام برداشته اند. زن و مرد همواره، همگام و همراه با هم زیسته و جدا کردن زن از مرد و یا برتری نهادن بر دیگری شایسته و بایسته نیست. در معتبرترین اسناد تاریخی و در

اوستا می خوانیم که زن در زندگی فردی و اجتماعی، پیوسته همیار و هم رتبه مرد بوده اند. وظیفه اصلی زن در خانواده این بود که به کارهای داخل خانه بپردازد. در مقدمه کتاب «ماتیگان هزار داتستان» بالسام می نویسد: «فرمانروایی در خانواده به طور مشترک میان مرد یا کدخدای خانه و زن یا کدبانوی خانه تقسیم شده بود. کدبانو نسبت به اداره امور داخلی خانه دارای تسلط و آزادی کامل بوده و مرد نمی توانسته در آن دخالت کند.» (رستم شهزادی، ۱۳۸۶، ص ۵).

نقشی که زن در داخل خانه به عهده می گیرد قابل مقایسه با نقش شوهر نیست، اختیارات آنها تضاد و تناقضی با یکدیگر ندارد و یکی مکمل دیگری است. اگر شوهر خداوندگار راستین خانه است، زن حکم وزیر خانه را دارد و در عمل رسیدگی به همه چیز به عهده اوست. زمام تدبیر منزل کم و بیش همیشه در دست زن است و زن اگر زنی خود رای باشد، حتی می تواند خانه را هم سر تا پا به میل خویش اداره کند. «کار درون خانه زنان را به موجوداتی اجتماعی مبدل می کرد، در حقیقت زن خانه دار تعدادی وظایف معین را انجام می داد که هر چند دارای ماهیتی خانگی بودند، اما ابدایی ارج تلقی نمی شدند. وظایف مربوط به اداره امور خانه، آوردن آب، آماده ساختن غذا برای مردان، کارگران کشاورزی و مستخدمان، تدارکات علوفه برای چهارپایان و پرندگان خانگی بر عهده زن قرار داشت. زن در مزرعه نیز وظایفی را انجام می داد که حدود آنها به فصل سال، نوع سازماندهی اقتصادی، نوع محصول و تعداد کارگران بستگی داشت. اما حتی اگر خانه حیطة نمادین زن تلقی می شد، وی هرگز در آن محصور نمی ماند. هنگامی که زن از خانه خارج می شد، با زنان دیگر همراه بود و منظور او انجام آن قبیل کارهای خانگی بود که در خانه امکان پذیر نمی شدند (مانند طبخ نان در تنور روستا). (سگالن، ترجمه الیاسی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۳)

### قانون ازدواج و طلاق در ایران باستان

در ایران باستان زرتشتیان زناشویی را تنها به منظور رفع حوایج جسمانی و جنسی انجام نمی دادند. بلکه برای آن هدف و آرمانی بسیار عالی و مترقی داشتند. این هدف فراهم کردن وسایل پیشرفت معنوی و غلبه نهایی نیکی بر بدی بود. تعالیم زرتشت بشر را در راه رسیدن به عالی ترین مدارج روحانی یعنی فراهم نمودن و تسریع ظهور سوشیانت و غلبه نیکی بر بدی هدایت می کند. هدف از زناشویی مشارکت در نهضت بزرگ روحی است که در بیشتر ادیان الهی به بشر وعده داده شده است (رستم شهزادی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰).

زناشویی در دین زرتشت عملی مقدس و ستایش انگیز است که از هر گونه تحقیر و تبعیض و نابرابری به دور است. از خصوصیات موقعیت حقوقی زن و برابری او با مرد در دین زرتشت آن است که همان طوری که مرد پس از زناشویی به لقب «نمان پیتی» یعنی سرور و کدخدای خانه ملقب می گشت؛ زن نیز پس از زناشویی به لقب «نمانوپیتی» یعنی نور و فروغ خانه ملقب می گشت، به عبارت دیگر مرد کدخدای و زن کدبانوی خانه می شد؛ زن پس از ازدواج در صف همسری شوهر

۱. سگالن، مارتین، جامعه شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، (۱۳۸۰)، تهران، انتشارات دنیای کتاب



قرار می‌گرفت؛ نه در ردیف اموال و یا از تابعین او؛ زن کنیز و برده مرد نبود، بلکه همسر و همدل و همراه مرد بود و در کلیه حقوق با مرد برابری و در جمیع امور با او شریک به شمار می‌آمد.

از نظر حقوقی و قانونی، دختران حق اظهار نظر در ازدواج داشتند و اگر دختر مایل نبود با فردی ازدواج کند، پدر حق نداشت بر خلاف میل دختر اقدام کند. بر اساس کتاب «ماتیکان هزار داتستان» اگر مردی به دخترش اعلام نمود که برو و همسر فلان مرد شو، دختر می‌توانست از دستور پدر سرپیچی کند. (رستم شهزادی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳)

در نوشته‌های پهلوی که دستور جاماسب منوچهر آسانا جمع آوری کرده است، عقد نامه ای به جای مانده که طبق این عقد نامه، داماد (اردشیر) موظف بود دارایی‌های زیر را به عروس (خورشید) بدهد: «ابتدا اینکه اردشیر بهمین نیک بداند که به پیمان راست به نشانه علاقه و محبت به خورشید، نقد سه هزار سکه مروج کشور با جواهری که نیز به بهای سه هزار زوزن باشند، بدهد. دوم از مجموع دارایی پابرجا که اکنون در تصرف اوست و آنچه که در آینده به تصرف او خواهد آمد و مالک آن بشود و بتواند بدون مانع به هر که بخواهد یک نیمه را به خورشید یا نماینده او واگذارد و خورشید را به طور رسمی مالک آن قرار دهد و هرگاه خورشید یا نماینده تقاضا کند، بدون چون و چرا و بدون ظفره و خود داری تحویل بدهد. (مهرین شوشتری، ۱۳۴۹، ص ۱۰۱)

یکی دیگر از مسائل حقوقی زنان، طلاق است. در کتاب ماتیکان هزار داتستان چنین آمده: «تقاضای طلاق از هر یک از زوجین در محکمه پذیرفته می‌شود، ولی محکمه هیچ مردی را بدون رضایت زن و هیچ زنی را بدون رضایت شوهر نمی‌تواند طلاق دهد. (رستم شهزادی، ۱۳۸۶، ص ۶۹) زنان بعد از ازدواج نسبت به تصرفات مالی خود آزاد بوده و بدون نظارت یا سرپرستی شوهر می‌توانستند هر گونه معامله ای را که قانونی باشد انجام دهند. (رستم شهزادی، ۱۳۸۶، ص ۳۶) در صورتی که در عقد نامه چنین اختیاری به زن داده می‌شد زن آزادانه می‌توانست به فعالیت اقتصادی بپردازد و بر خلاف خواست شوهرش از دیگران هدایا و اموال دریافت کند؛ و اگر مرد زنش را در فعالیت‌های اقتصادی با خود شریک می‌ساخت، زن بدون اجازه شوهرش می‌توانست اموالی را به دیگری ببخشد، البته مرد می‌توانست به بهانه نافرمانی همسرش این حق را از او سلب کند. (رستم شهزادی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۷)

### حق مالکیت زن در ایران باستان

قانون از حقوق مالکیت زن در برابر دست درازی خود سرانه شوهر به دارایی او حمایت می‌کرد، به شرط آنکه این حقوق را به صورت قانونی ثبت می‌کردند. گناه نافرمانی زن که بر پایه آن ممکن بود حقوق مالکیت وی نقض شود، می‌بایست به طور رسمی ثابت و تایید گردد. سهم زن از دارایی پدر که با خود به خانه شوهر می‌آورد و نیز اموالی که جهیزیه عروسی زن بود، تا زمانی که وی زنده بود به او تعلق داشت و شوهر تنها حق داشت که از آنها استفاده کند و اگر زن بی‌آنکه فرزندی آورد می‌مرد، جهیزی را که وی به خانه شوهر آورده بود، به خانواده پدری او باز می‌گرداندند. (یار شاطر

و دیگران، ۱۳۷۷، ص ۳۵) مطابق قانون مرد حق نداشت نسبت به زن و فرزندان خود ستم روا دارد، هر گاه مرد در محکمه به زن خود نسبت زنا می داد، در صورتی که از آن زن فرزندی متولد می شد، تا هنگامی که بی عفتی زن به ثبوت نرسیده بود، شوهر حق نداشت از دادن نفقه به زن و طفل خود داری کند، ولی پس از ثبوت زانیه بودن زن، تمام عناوین و حقوق او قطع می شد. (رستم شهزادی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲) زنان مالک ثروت خود بودند و اگر کار خیر می کردند یا آتشکده بنا می کردند تولیت آن به جای شوهر به فرزندانشان می رسید. چنان که در فصل پانزدهم فقره ۳۰ ماتیکان هزار دادستان\* می نویسد: «درباره آتش (مقدس) که در جایی زنی بر نشاند که او شوهر و فرزند دارد و بمیرد آن آتشکده باید از فرزندانش بشود و نه از شوهر؛ یعنی شوهر از زن ارث نمی برد ولی زن از شوهر ارث می برده است». (رستم شهزادی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۵)

### اطاعت و فرمانبرداری زن نسبت به شوهر

بعد از ازدواج، زن زیر سرپرستی و اختیار زناشویی شوهر در می آمد و ملزم بود که از وی اطاعت کند. در متون مذهبی زردشتی که بعد از سقوط دوره ساسانی تالیف یافته اند، دستورات فراوانی در مورد اطاعت و فرمانبرداری زن نسبت به شوهرش آمده است. به این صورت که زن موظف بود همواره فرمانبردار شوهر باشد و حتی در مقابل وی سجده نماید. منابع دوره ساسانی مانند: اوستا، ماتیکان هزار دادستان و... نیز به زن سفارش می کنند که مطیع شوهر خویش باشد ولی لحن کلام در این منابع به شدت متون زردشتی بعد از سقوط سلسله ساسانی نمی باشد. به نظر می رسد بعد از اینکه سلسله ساسانی در قرن هفتم میلادی توسط اعراب فاتح سقوط کرد، ایرانیان در زمینه مطیع بودن زن نسبت به شوهر، تحت تاثیر قوم غالب و فاتح قرار گرفتند.

بر اساس قانون نامه مربوط به دوره ساسانی، زن می بایست از شوهر خود اطاعت نماید. نافرمانی زن بر اساس این کتاب عبارت بود از اینکه: «زن وظایف و تکالیف عادلانه و درستی را که شوهرش به او گفته انجام ندهد، اما سخنان غیر عادلانه و نادست وی را اجرا کند. (رستم شهزادی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۵) «اگر زن نسبت به شوهر خود نافرمان بود، مرد موظف بود که در دادگاه نافرمانی زن را ثابت کند، در صورتی که نافرمانی زن نسبت به شوهر در دادگاه ثابت می شد، اموال زن به شوهر تعلق می گرفت. البته زن بدون دارایی باقی نمی ماند، بلکه اموالی که متعلق به زن بودند در دستش باقی می ماند. (رستم شهزادی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۳)

### نتیجه گیری

حقوق زن در ادوار تاریخ سیر پر فراز و نشیبی را پیموده است. بدون شک از زمان شکل گیری انسان، حقوق زن مطرح بوده و زمانی حقوق زن به صورت یک بحث قابل تأمل جا افتاد که بشر از شکل زندگی بدوی خارج شده و جوامع بشری شکل دادند.

در ایران باستان اهمیت بسیاری به مقام زن داده شده است، او را بانوی خانه می گفتند و مرد مدیر خانه به شمار می رفت، مردان ایران باستان به بانوان خود احترام بسیار زیادی قائل بودند و در تمامی امور با آنها مشورت می کردند و برای ایده و عقیده آنها احترام به سزایی قائل می شدند. در نسخه های دینی ایران باستان زنان شوهر دار از اجرای مراسم دینی معاف بودند، زیرا تشکیل خانواده و پرورش یک جامعه نیک کردار که یکی از ارکان تربیت مادر است بزرگترین عمل نیک در کارنامه زنان ثبت می شده است. در ایران باستان زنان به عنوان یکی از متمدن ترین اقوام جهان دارای جایگاه بسیار بلند و مقامی بس ارجمند بوده اند؛ تا آنجا که در کتاب مقدس زرتشتیان (اوستا) هیچ مردی از لحاظ اخلاقی و مذهبی بر زنان ارجحیت ندارد و شعار اصلی زرتشتیان یعنی گفتار نیک، کردار نیک و پندار نیک برای مردان و زنان همزمان توصیه شده است. خصایل زن خوب، پارسا و با عفت شعار اصلی زرتشتیان بوده است. زنان در ایران باستان دارای چنان ارزش و شخصیتی بودند که در میان ادیان جایی باز کرده و بزرگ و ستودنی قلمداد می شدند، چنانکه در آیین زرتشت یک روز به نام روز زن نامگذاری شده است.

در مطالعات فرهنگی درباره زن، شاهنامه مرجع مهمی بوده است. چون از یک سو زنان گاه در آن نقش مثبت دارند، و نیز از سوی دیگر گاه قضاوت بدبینانه ای نسبت به آن ها ابراز شده است. نگاه به شاهنامه از نظر عقاید درباره جایگاه موجود و مطلوب زن در اجتماع، در زمان سروده شدن دیوان یا در زمان وقوع حوادث داستانی و تاریخی آن، و علاوه بر این، نگاه پژوهش گر که درگیر تفکرات امروزی حقوق بشری در مورد زن است، می تواند در شناخت جایگاه و حقوق زن در ایران باستان راه گشا باشد. در شاهنامه، زن موقعیتی برتر از فرهنگ زمان خود داشته است، وجود شخصیت های زن شاهنامه که سیاست مدار، خردمند، و قدرت طلب هستند، نشان واقعیتی فرهنگی - اجتماعی در ایران باستان و حاکی از برابری زن و مرد است. البته توصیفات بیشتر متناسب با فضای اشرافی رویدادها، و نیز اقتضای جذابیت داستان و حماسه بوده است. بر این مبنای، گر چه الگوهای زن، همچون زن مستقل، شجاع، و عاقل در شاهنامه، تا حدودی می تواند پشتوانه ایده های زن باور یا همان فمینیسم باشد، اما در این باره نمی توان اغراق کرد، چون الگوهای متفاوت از این هم در کتاب فردوسی فراوان است. در ایران باستان زن همانند مرد از متمدن ترین افراد جهان دارای جایگاه بسیار بلند و مقامی بس ارجمند بوده است. ایرانیان همچون اعراب زن را ننگ نمی دانستند بلکه او را موجودی مقدس و پاک که لازمه حیات است دانسته و مقام او را ارج نهاده اند. با رسمی شدن آیین زردشتی، شاهد تغییر دیدگاه جامعه نسبت به زن می باشیم. در کتاب اوستا، زن همپایه و برابر با مرد است، هر جا در اوستا مرد ستایش می شود، در ادامه زن نیز ستایش می شود. در کنار امشاسپندان و ایزدان نرینه، امشاسپندان و ایزدان مادینه نیز وجود دارد، علاوه بر این طبق آیین زردشتی، زنان همانند مردان می توانند در جنگ اهورا مزدا و اهریمن، اهورا مزدا را یاری رسانده و در جهان آخرت وارد بهشت شوند.

## منابع

- اسلامی ندوشن، محمد علی، (۱۳۷۰). آواها و ایماها، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- حجازی، بنفشه، (۱۳۸۵). جایگاه زن در ایران باستان، تهران، انتشارات قصیده سرا.
- دادگی، فرنیغ، (۱۳۶۹). بندهشن، ترجمه مهرداد بهار، تهران، انتشارات توس.
- رستم شهزادی، موبد، (۱۳۸۶). ترجمه گفتاری درباره ماتیکان هزار داتستان، تهران، نشر مرکز.
- سگالن، مارتین، جامعه شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، (۱۳۸۰). تهران، انتشارات دنیای کتاب.
- شهریاری، توران، (۱۳۸۸). وضعیت اجتماعی زن در ایران باستان، سایت درفش.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۷۵). شاهنامه، به کوشش پرویز اتابکی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- مهرین شوشتری، عباس، (۱۳۴۹). کشور داری و جامعه ایران در زمان ساسانیان، تهران، موسسه مطبوعاتی عطائی.
- ارشاطر، احسان و دیگران (۱۳۷۷). تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، پژوهش دانشگاه کمبریج، تهران، انتشارات امیر کبیر، جلد سوم، قسمت دوم.

Archive of SID